

## بررسی کارکرد فلسفه در قصه بر کودکان مقطع ابتدائی تهران-ایران ۱۴۰۰

دکتر حسین اردلانی<sup>۱</sup>

سمانه خان جانی خباز رشتی<sup>۲</sup>

### چکیده :

یکی از ابعاد ارزشمند قصه کودک اصول و کارکرد فکری و فلسفی در داستان‌ها، قصه‌ها و اشعار کودک و نوجوان است. مسئله اصلی این پژوهش این است که میزان، کیفیت ظهور و بروز مهارت‌ها و مفاهیم فلسفی را در مقطع ابتدائی به صورت آموزش مجازی و حضوری بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که در قصه کودکان چه مؤلفه‌ها و مفاهیم فلسفی نمود دارد و فلسفه به چه میزان بر هوش کلامی و گنجینه لغات کودکان مؤثر است. روش این پژوهش آمار توصیفی و بر مبنای تحلیل محتوا از نرم افزار SPSS و از روش‌های آمار توصیفی و در بخش آمار استنباطی از روش تحلیل کواریانس، آزمون لاندای ویلکز و آزمون ام باکس بوده و سعی شده است کارکرد آموزش فلسفه به کودکان در قصه با تکیه بر کودکان مقطع ابتدائی شهر تهران در سال ۱۴۰۰ در دوران همه‌گیری کرونا بررسی و تحلیل شد. بنابراین با استفاده از منابع و نظریه‌های مرتبط با فلسفه کودک ابتدا کلیاتی درباره فلسفه کودک و ارتباط آن با قصه کودک مطرح شده است نتایج حاکی از آن است که فلسفه در قصه کودکان این قابلیت را دارد که به تقویت مهارت‌های تفکر فلسفی در کودکان بی انجامد و مهارت‌هایی چون هوش کلامی، گنجینه لغات، پرسشگری، کشف و تجزیه و تحلیل را در آن‌ها تقویت نماید.

واژگان کلیدی : قصه ، فلسفه ، مقطع ابتدائی ، مهارت زبانی و شنیداری

<sup>۱</sup> استادیار گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان. ایران h.ardalani@iauh.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

ایران sama.khanjani3441@gmail.com

انسان موجودی اجتماعی است و ابعاد آموزشی و روانی در رشد و تعلیم و تربیت او مؤثر است. کودکان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. قصه‌گویی یکی از ابزارها و روش‌هایی است که می‌تواند کودک را مجذوب و سبب رشد او شود.

قصه و قصه‌گویی قدمت دیرینه‌ای دارد به‌گونه‌ای که انسان بدوی از ابتدای زندگی خود را در چهار چوب تصاویر به صورت قصه‌ها نمایان کرده است و قصه‌ها نیز تاریخ زندگی بشر را شکل داده، دگرگون ساخته و متحول نموده‌اند. « هنگامی که شناخت کاملی از جهان وجود ندارد نیاز نسبت دادن معنا به تجارب احساس می‌شود بدین ترتیب، تجربه‌ها و رویدادهای عمر طولانی هر یک از افراد به قصه تبدیل می‌شود. افراد هنگام بیان داستان توالی و رابطه‌های معنادار را کشف می‌کنند و نسبت به وضعیت خود بینش عمیق‌تری به دست می‌آورند. (coleman.2018.800)

قصه‌گویی در ایران سابقه‌ای دیرینه‌ای دارد و امروزه نفوذ وسایل ارتباط جمعی، موجب شده تا نقش قصه‌گویی در طول دوران و به‌ویژه در نظام‌های آموزشی به‌گونه‌ای دیگر نمایان شود. امروزه قصه‌گویی الکترونیکی متداول شده و کمتر به‌عنوان یک فن برخورد می‌شود و متقابلاً در نظام آموزش و پرورش جایگاه شایسته‌ای برای قصه‌گویی به چشم نمی‌خورد. (Yogman.2018. 142)

قصه‌گویی نوعی ادبیات شفاهی است. آشنایی با نوع شفاهی ادبیات درک تازه‌ای از زبان را به کودک می‌بخشد. افسانه‌ها، قصه‌ها و حکایات که در قالب قصه برای کودکان بیان می‌شود دانش زبانی، گنجینه لغات آن‌ها را غنی می‌سازد. منظور از فلسفه، قدرت استفاده از زبان و درک کلام است بدون آنکه شخص، اعمالی را انجام دهد. (Hatzigianni. 2018.850) مثل هوش، استدلال کلامی و تجسم فضایی.

بشر از قصه به‌عنوان مناسب‌ترین ابزارها برای پی بردن به ماهیت امور، تجزیه و تحلیل و درک حقایق زندگی، کشف اسرار خلقت و... استفاده کرده است. به‌گونه‌ای که برخی علوم همچون روانشناسی خود را مدیون قصه‌گویی در هنر نمایش می‌دانند زیرا بسیاری از حالات روانی انسان از قرار گرفتن در موقعیت‌های نمایشی کشف شده است. (سیمزاری. ۱۳۹۱: ۱۲)

کودک در اولین برخورد با قصه با واژه‌ها، جملات کوتاه و مرکب، لحن کلام مواجه می‌شود، حتی اگر آن زبان را به کار نگیرند و از واژگان آن استفاده نکنند زبان قصه را تجربه کرده و با دنیای زبانی تازه‌ای مواجه می‌شوند به این طریق کودک زبان را به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بیند و از طریق احساس خود درک کرده و کاربرد صحیح آن را می‌آموزند. (Boyette.2018.883)

از دید برخی از روانشناسان، زبان قصه کمک بسیار بزرگی به رشد ذهنی کودکان می‌کند و با توجه به این مطالب در می‌یابیم که قصه‌گویی چه نقش مهمی در درک و فهم کودکان دارد و همچنین کودکان می‌توانند با بهره گرفتن از قصه‌گویی گنجینه لغات بیشتری در محاورات روزمره کسب کنند و معنی بسیاری از لغات را درک کنند. مسئله‌ای که در این تحقیق پیش آمده است در قصه کودکان چه مؤلفه‌ها و مفاهیم فلسفی نمود دارد و فلسفه چگونه و به چه میزان بر هوش کلامی و گنجینه لغات کودکان مؤثر است.

**قصه‌گویی** از نظر طرح قصه فرایندی مشارکتی است. شنوندگان قصه آن را به طور منفعل از قصه‌گو نمی‌شنوند، آن‌طور که تماشاگر فیلم و تلویزیون هستند. قصه‌گو از قبل هیچ تصویر، صحنه‌آرایی یا لباسی را که مربوط به شخصیت یا دوره تاریخی باشد، فراهم نمی‌کند. این چیزها را شنوندگان بر اساس گفتار او و تجربه‌ها و عقاید خودشان در ذهن می‌آفرینند.

**کودک - از نظر کنوانسیون حقوق کودک:** منظور از کودک افراد زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. (بیانیه حقوق کودک ۱۳۹۰. ۱۲) بر این اساس گروه‌های سنی بدین شرح می‌باشند:

گروه سنی الف : زیر سن دبستان

گروه سنی ب : پایه اول تا سوم ابتدائی

گروه سنی ج پایه‌ی چهارم تا ششم ابتدائی

گروه سنی د : پایه راهنمایی

گروه سنی ه : جوانان متوسطه

که در این پژوهش گروه سنی ب و ج مورد بررسی قرار گرفته است.

### پیشینه پژوهش :

سارونی در سال ۱۳۹۲ در پایان‌نامه خود با عنوان مفاهیم تعلیمی در نمایشنامه‌های کودکان ، به دو شیوه‌ی تئوری و تجربی (ترکیبی) صورت پذیرفته است. در ابتدا بر ادبیات نمایشی، نمایشنامه، انواع نمایش، مخاطب شناسی و شناخت نیازهای هر گروه سنی و آشنایی با پیشکسوتان و مروجین هنر نمایش برای معلمان و مربیان کودک، کاربردهای نمایش و تقسیم‌بندی مفاهیم تعلیمی با ارائه‌ی ساده‌ترین راهکارها و توصیه‌ی یک کار نمایشی پرداخته است. نتایج حاصله با توجه به شواهد و استدلال‌ات ارائه شده ، این است که: نمایش به دلیل ترکیب هنرهایی چون، موسیقی، ریتم و وزن (رقص)، نقاشی، گریم ، مجسمه‌سازی، قصه‌گویی، دکورسازی و معماری یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین وسایل انتقال مفاهیم تعلیمی و تربیتی به کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. (سارونی ، ۱۳۹۲ )

عباسی در سال ۱۳۹۸ در مقاله خود با عنوان بررسی فلسفه‌ی قصه‌گویی برای کودکان و نوجوانان به رشد همه‌جانبه‌ی کودکان برای ساختن فردای بهتر پرداخته است . ( عباسی . ۱۳۹۸ )

نوشادی در سال ۱۳۹۶ در مقاله خود با عنوان تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر سطح پرسشگری دانش‌آموزان دوره ابتدایی به بررسی روش آموزش فلسفه برای کودکان پرداخته ، نتایج حاکی از آن است که تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد . (نوشادی. ۱۳۹۶ )

ژاندریه در سال ۱۳۹۸ در مقاله خود با عنوان " اثر روش‌های نمایشی و سنتی در استفاده از استراتژی‌های خواندن و درک دانش " به بررسی آن در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بود. روش نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه کنترل و آزمایش بود و دو گروه در مدارس ابتدایی در شهر ازمیر ترکیه بودند تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که با توجه با استفاده از استراتژی‌های خواندن روش‌های نمایشی مؤثرتر از روش‌های سنتی است. (Jandrić.2018)

ناجی در سال ۱۳۸۶ در مقاله خود با عنوان بررسی نتایج برنامه‌ی فلسفه برای کودکان روی مهارت‌های استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان به بررسی تأثیر کلاس‌های فلسفه برای کودکان و نوجوانان و امتحان پیش‌بینی‌هایی به عمل آمده در زمینه‌ی

پیشرفت و تقویت مهارت‌های فکری و عملکرد رفتاری کودکان است. نتایج حاکی از آن است که این برنامه بر ارتقا و تقویت مهارت‌های پیش بینی شده فکری کودکان به شدت مؤثر است .

## روش پژوهش :

در این پژوهش برای مطالعه بهتر زوایای آموزشی و عملکردی از شیوه کیفی و بررسی آمار توصیفی و بر مبنای تحلیل محتوا بوده است . «برنارد برلسون» روش تحلیل محتوا را به عنوان روشی مستقل نام‌گذاری و تعریف کرد. در این مدت، این روش کاربردهای بسیاری، هم در تجزیه و تحلیل وسایل ارتباط جمعی و هم در سایر زمینه‌های علوم اجتماعی کاربرد داشته است.

همان‌گونه که تاریخ این روش نشان می‌دهد، زمینه‌های کاربرد تحلیل محتوا بسیار گسترده است و تنها به بررسی ویژگی‌های متن محدود نمی‌شود. تحلیل محتوا از همان آغاز، علاوه بر ویژگی‌های پیام، کاربردهای فرا پیامی نیز داشته است. به طور کلی در فرایند ارتباط سه عنصر اساسی نقش دارند: منبع (فرستنده)، پیام و مخاطب (گیرنده) تحلیل محتوا پژوهشی پیام محور است، یعنی بر اندازه‌گیری و سنجش پیام (محتوا) تمرکز دارد. ولی با استفاده از نتایج حاصله از این بررسی، می‌توان به استنباط و نتیجه‌گیری درباره پیشینه و اثرات پیام نیز اقدام کرد. این مطلب یعنی گستره کاربرد و حد و مرزهای تحلیل محتوا، در تمامی منابع مرتبط مورد بحث قرار گرفته است. گرچه در همه این منابع، عنوان "کاربرد" به کار نرفته است و بعضاً از عناوین رویکرد، اهداف و اشکال اصلی استفاده کرده‌اند، ولی در مجموع به یک موضوع اشاره کرده‌اند و آن‌هم زمینه‌ها و گستره کاربرد این روش است.

تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند ، کدبندی ، و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست . (hsiu.15)

به علت اهمیت موضوع، در ادامه سعی می‌شود تا با بررسی اندیشه صاحب‌نظران در این عنوان، کاربردها و محدودیت‌های این پژوهش مشخص شود. در این راستا سعی شده است کارکرد آموزش فلسفه به کودکان در قصه با تکیه بر کودکان مقطع ابتدائی شهر تهران بررسی و تحلیل شود. به این منظور تحولات و تغییرات رفتاری کودکان بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس با میزان خطای کمتر مورد مطالعه قرار گرفت .

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه کودکان گروه سنی ب و ج شهرستان تهران در سال ۱۴۰۰ در دوران همه‌گیری کرونا است و با همکاری یک روانشناس کودک انجام شد. سؤالات آزمون با نمونه‌های در دسترس برای ۵۰ نفر به صورت فردی مجازی برای هر کودک گروه سنی ب و ج اجرا شد و به وسیله پژوهشگر تکمیل شد. این آزمون برای گروه « ب » با قصه‌گویی معلمان برای شاگردان به مدت یک ماه طول انجام شد. برای گروهی «ج» دو هفته انجام شد و دروس به روش سنتی آموزش داده شدند. پاسخ آزمون آن دو گروه نشان دهنده تفاوت دریافت بین گروه بود.

**پایایی** آزمون در موقعیت و زمان متفاوت ، نتایج یکسان داشت و برای تعیین اعتبار تکرار گردید.

جدول ۱ : شش سطح طبقه‌بندی شناختی (اقتباس از کتاب طبقه بندی اهداف آموزشی بنیامین بلوم و همکاران، ۱۹۵۶).	
سطح شناختی	ملاک‌ها
دانش	یادآوری، حفظ کردن، بازشناسی
درک و فهم	تفسیر، برگرداندن، بیان به زبان خود، مقایسه، تشابه، تفاوت و مثال
کاربرد	حل مسئله، به‌کارگیری اطلاعات برای نتیجه‌گیری
تحلیل	تجزیه عناصر برای نشان دادن عملکرد مجزای آن‌ها، فهم ساختار ارتباطی
ترکیب	خلق یک موقعیت بی‌همتا
ارزشیابی	ارزش‌گذاری موضوعات، حل تعارضات یا تفاوت دیدگاه‌ها، ملاک برای قضاوت، تطابق ایده با ملاک

یافته‌ها :

آیا تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد ؟ طبق آمار توصیفی جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان یکسان است.

جدول ۲: فراوانی پاسخگویان برحسب گروه‌های مورد مطالعه در پژوهش

فراوانی	درصد
۲۵	۵۰
۲۵	۵۰
۵۰	۱۰۰

جدول ۳ : آماره‌های پراکندگی مرکزی از متغیر فلسفه و شاخص‌های گروه

سطح شناختی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار F	سطح معناداری
گروه ب	۸,۸۷	۴,۰۸	۱۷	۲۹,۳	۰,۰۶
گروه ج	۱۱,۲۳	۳,۹۳	۲	۴۱,۲۶	۰,۰۰۰۱

با توجه به اینکه سطح معناداری در آزمون F باید از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد، در این آزمون نیز بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۰۶ گزارش شده است که نشان می‌دهد پیش‌شرط آزمون یعنی برابری کوواریانس‌ها برقرار است. با توجه به مقادیر

به دست آمده در جدول آمار توصیفی فوق در این آزمون میانگین نمرات متغیر درک و فهم در گروه‌های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۸,۸۷ و ۱۱,۲۳ می‌باشد که دارای تفاوت قابل توجهی بوده و شاهد کاهش میانگین در پس‌آزمون گروه ب هستیم.

با توجه به آزمون فوق، چون سطح معناداری در گروه ج برابر با ۰/۰۰۰۱ است و از ۰/۰۵ کوچک‌تر است پس می‌توان چنین استنباط نمود که: متغیری که در این پژوهش به‌صورت آزمایشی به کار گرفته شده است (فلسفه در نگارش قصه برای کودکان) اثرگذار بوده و باعث افزایش درک و فهم دانش آموزان می‌گردد. به‌طور کلی با توجه به آزمون‌های تعقیبی (لاندا و پلکز و آزمون پذیرش) می‌توان گفت که: فلسفه در نگارش قصه برای کودکان بر درک و فهم آن‌ها مؤثر بوده و فرضیه فوق تأیید می‌شود. در نتیجه " فلسفه در نگارش قصه برای کودکان، بر گنجینه لغات کودکان گروه سنی ج تأثیر دارد "

جدول ۴: آمار توصیفی

آزمون‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
گروه ب	۲۵	۸,۴۴	۲,۱۶
گروه ج	۲۵	۸,۳۳	۳,۰۳

جدول ۵- آزمون ام باکس Box's M

مقدار آزمون	۷,۴۵
مقدار F	۲,۲۳
درجه آزادی اول	۲
درجه آزادی دوم	۱۴
سطح معناداری	۰,۴۸

با توجه به اینکه سطح معناداری در آزمون ام باکس باید از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد، در این آزمون نیز بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۴۸ گزارش شده است که نشان می‌دهد پیش شرط آزمون یعنی برابری کوواریانس‌ها برقرار است. با توجه به مقادیر به دست آمده در جدول آمار توصیفی فوق در این آزمون میانگین نمرات پیش‌آزمون متغیر اطلاعات در گروه‌های برابر با ۸,۴۴ است که این میانگین‌ها در پس‌آزمون گروه‌های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۸,۳۳ گزارش شده‌اند که دارای تفاوت قابل توجهی بوده و شاهد کاهش میانگین در پس‌آزمون گروه آزمایش هستیم.



## نتیجه‌گیری :

این پژوهش باهدف تعیین تأثیر مداخله آموزش فلسفه برای کودکان بر سطح درک و تحلیل، کاربرد و ارزیابی در گروه سنی ب و ج دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شد. جامعه این پژوهش کلیه کودکان گروه ب و ج شهرستان تهران در پاندمی سال ۱۴۰۰ است و نمونه نیز ۵۰ نفر از افراد جامعه به شیوه نمونه در دسترس مجازی انتخاب شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری متغیرها آزمون‌های است و بعد از اجرا آزمون هوش و کسلر قادر به اجرای پروژه خوانش قصه‌گویی بر روی گروه آزمایش شد و پس از طی ۱۲ جلسه دوباره آزمون فلسفه برگزار شد. برای سنجش داده‌ها از آمار توصیفی ( جداول، فراوانی درصد و نمودار) و آمار استنباطی استفاده گردید. در آخر نتایج به دست آمده، فرضیه‌های این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های جداول ۳ و ۲ نشان دادند که در دو گروه تفاوت معناداری در سطح پرسشگری وجود نداشت. به بیان دیگر آموزش فلسفه برای کودکان منجر به ارتقاء سطح یادگیری، تحلیل و پرسشگری شد. از طرفی آمار توصیفی نشان دادند که برنامه فلسفه برای کودکان بین دو گروه ارتباط معناداری مشاهده شد. به بیان دیگر سطح پرسشگری مربوط به درک و فهم بود یعنی پس از آموزش فلسفه برای کودکان در گروه ج، سطح پرسشگری از "درک" به "تجزیه و تحلیل" ارتقاء یافت.

از آنجایی که هدف تعلیم و تربیت انسان‌ها، تربیت انسان‌های صاحب اندیشه است از طریق آموزش فلسفه می‌توان ذهن‌های پرسشگری تربیت کرد. پرسش نقش مهمی در فرایندهای یادگیری و رشد کودکان دارد تا پرسشی نباشد یادگیری رخ نخواهد داد. اساساً ذات فلسفه پرسشگری است و پیوند بین آموزش و فلسفه برای کودکان می‌تواند به عنوان تکنیک و ابزار اصلی و مؤثر در مدارس ابتدایی بکار گرفته شود.

به گفته برنسفورد اگر در کلاس درس فرصت پرسشگری فراهم آید و کودک و معلم برای یکدیگر تهدید به حساب نیایند، این امر می‌تواند پیوندهای عصبی مغز کودک را افزایش دهد. به بیان دیگر، ذهن با تعاملات بیشتر، پیوندهای عصبی بیشتری می‌سازد و از این رو مغز ارتباطات پیشرفته‌تری می‌شود.

## منابع :

۱. سارونی، مهتاب. ۱۳۹۲. مفاهیم تعلیمی در نمایشنامه‌های کودکان، استاد راهنما عبدالعلی اویسی کهخا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۲. سیمزاری، محمد. ۱۳۹۱. تغاتر و تربیت، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
۳. عباسی، یاسمن. ۱۳۹۸. فلسفه‌ی قصه‌گویی برای کودکان و نوجوانان. کنفرانس ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد دستاوردهای نوین در علوم تربیتی و رفتاری «از نگاه معلم»
۴. نوشادی، ناصر. ۱۳۹۶. تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر سطح پرسشگری دانش‌آموزان دوره ابتدایی، طاهره کمالی مطلق، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱-۱۳
۵. کنوانسیون حقوق کودک. بیانیه حقوق کودک. ۱۳۹۰. ۱۲
۶. ناجی، سعید. ۱۳۸۶. بررسی نتایج برنامه‌ی فلسفه برای کودکان روی مهارت‌های استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان، پروانه قاضی نژاد، نشریه مطالعات برنامه درسی، دوره ۲، شماره ۷، ص ۱۲۳-۱۵۰



7. Coleman, R., Lee, J. Y., Yaschur, C., Meader, A. P., & McElroy, K. (2018). Why be a journalist? US students' motivations and role conceptions in the new age of journalism. *Journalism*, 19(6), 800-819.
8. Yogman, M., Garner, A., Hutchinson, J., Hirsh-Pasek, K., Golinkoff, R. M., & Committee on Psychosocial Aspects of Child and Family Health. (2018). The power of play: A pediatric role in enhancing development in young children. *Pediatrics*, 142(3).
9. Hatziagianni, M., & Kalaitzidis, I. (2018). Early childhood educators' attitudes and beliefs around the use of touchscreen technologies by children under three years of age. *British Journal of Educational Technology*, 49(5), 883-895.
10. Hsiu- Fang Hsieh & Sara E. Shanon, "Three Approaches to Content Analysis", *Qualitative Health Research*, Vol.15, No.9